

تاریخ جلفای اصفهان

- تاریخ جلفای اصفهان
- تالیف: هاروتون در هوهانیان
- مترجمان: لئون، گ. میناسیان، م. ع. موسی فریدنی
- ناشر: زنده‌رود، اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۹

○ دکتر شکوه‌السادات اعرابی هاشمی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد

تاریخ جلفای اصفهان تالیف هاروتون در هوهانیان یکی از ارزشمندترین منابع تاریخ محلی به زبان ارمنی قدیم (گرابار) می‌باشد که در سال ۱۸۸۰ م. در جلفای اصفهان به رشته تحریر درآمده و درست یکصد سال بعد، در ۱۹۸۰ م، کشیش بغوس پتروسیان این اثر را به زبان ارمنی جدید (آشخارهابار) در همان شهر به چاپ رسانید.

خوشبختانه با تلاش و جدیت آقایان لئون، گ. میناسیان و م. ع. موسی فریدنی، تاریخ جلفای اصفهان به زبان فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۷۹ ه. ش، نشر زنده رود با مشارکت انتشارات نقش خورشید آن را منتشر نموده است.

درباره زندگینامه نویسنده کتاب اطلاعات مختصری از سوی آوه‌دیک، ک. م.، ظهوریان، یکی از مسؤولان چاپخانه کلیسای وانک گردآوری شده که در مقدمه کتاب به زبان اصلی درج شده است:

«هاروتون از خانواده در هوهانیانتس فرزند تاتاوس در جلفای اصفهان، به تاریخ ۱۴ فوریه ۱۸۲۸ م. به دنیا آمد سپس در سن ۸ سالگی به

همراه پدرش به هندوستان، کلکته، رفت و در آنجا وارد مدرسه عالی نوع‌دوستی ارامنه گردید و نزد معلم مشهور آوانس اودالیانتس تعلیم یافت. وی مجدداً در سال ۱۸۳۹ م. همراه پدر به جلفا بازگشت و به مدرسه سامیان امانپر کچیان وارد شد و تحت تعلیم بارون هوهانتس، م. ظهوریان قرار گرفت، استادی که در کتاب مقدس، دستور زبان، حساب، حسابداری، خوشنویسی و علم اخلاق و حکمت که مواد درسی آن زمان بودند، تبحر بسیار داشت.

هاروتون به علت استعداد و علاقه‌ای که در یادگیری داشت، کم‌کم پیشرفت نمود و جزء بهترین شاگردان مدرسه درآمد. اما متأسفانه چندی بعد به علت از دست دادن پدر و مادرش، بار سنگین مخارج خانواده بر دوش او تحمیل گردید و به همین دلیل علی‌رغم میل باطنی‌اش از ادامه تحصیل منصرف و به داد و ستد روی آورد.

در سال ۱۸۵۱ م، عالی‌جناب تاتاوس بیگ نظریان، اسقف کلیسای وانک او را به عنوان منشی کلیسا برگماشت و وی در این سمت علاوه بر رسیدگی به امور عامه مردم، با تشویق و حمایت اسقف اعظم، تالیفات و تحقیقات خود را دنبال نمود.

حاصل بیست سال کار و زحمات مداوم هاروتون عبارتند از:

- تاریخ جلفای اصفهان در دو جلد.
- رد شبهات اوتریان در دفاع از کلیسای ارتدکس ارمنستان.
- شرح زندگانی عالی‌جناب مرحوم اسقف اعظم تاتاوس و منظومه‌ای در ثنای او.
- چند نوشته تحقیقی که از میان آنها مدیحه‌ای در تجلیل خانواده بزرگ لازاریان و مرثیه‌ای برای جناب هوانس لازاریان می‌باشد.
- خطابه در مرگ عالی‌جناب اسقف تاتاوس و مکتوبی به مناسبت مرگ بارون آبکاریان.
- شکوائیه منظوم مفصلی به خدا در گلایه از لکنت‌زبان خود.
- مصیبت قوم ارمن در ساحل رود ارس.

و نیز چند نوشته دیگر و گزارشی از کار منشی‌گری بیست ساله وی در کلیسای وانک که رونوشت‌های پر حجم آنها از سال ۱۸۵۱ تا ۱۸۷۱ در دفتر کلیسا موجود است. این گزارش نمونه درخشان زبردستی و خوشنویسی او می‌باشد.

از میان تحقیقات

هوهانیان، به طور قاطع می‌توان گفت تاریخ جلفای اصفهان دارای ارزش خاصی است زیرا که دربرگیرنده تاریخ ارامنه از ابتدای کوچ آنان به ایران (۱۶۰۴ م / ۱۰۱۲ ه) تا سال (۱۸۵۷ م / ۱۲۷۲ ه) می‌باشد که با استفاده از منابع دست اول ارمنی و اسناد موجود در کلیسای وانک، نگارش یافته است.

منابع نویسنده تاریخ جلفای اصفهان:

کتاب تاریخ یا تاریخ آراکل، نوشته آراکل داوربژتسی (تبریزی).^۱ این اثر، یکی از منابع مهم و ارزشمند ارمنی است و تاکنون چندین بار به زبان‌های مختلف از جمله ارمنی و نیز فرانسه ترجمه شده لیکن هنوز به فارسی ترجمه نشده و جای دارد که مترجم ارمنی زبردستی آن را به فارسی ترجمه نماید.

هاروتون در ذکر وقایع مهاجرت ارامنه، عمدتاً از این منبع استفاده نموده است. مؤلف تاریخ جلفای اصفهان می‌نویسد: «حدس من بر آن است که پس از خلیفه آراکل، هیچیک از هم‌قومان جلفائی به فکر نیفتاده تا وقایع خوب یا بد را به موقع ثبت و ضبط کند و دلیل این امر را از فحواوی «کنداکهای»^۲ خلیفه هاکوب و خلیفه بغوی، سرپرستان کلیسای وانک (۱۷۴۶ م) یافتیم: «... درباره»

مصائب و رنجهایی که در بنیاد جلفا متحمل شدیم نماینده من، شما را شفاها آگاه خواهد کرد. چون ترس مجال تحریر آن را نمی‌دهد.»^۳

و سپس هدف و چگونگی تدوین کتاب خود را چنین می‌گوید:

«در اوایل سال ۱۸۵۱ م، در زمان خلیفه‌گری عالی‌جناب اسقف تانوس بیگ نظریان، سمت منشی‌گری کلیسای وانک به من سپرده شد. این کلیسا به موجب مکتوبات موجود در آن گنجینه‌ای

از اشیاء عتیق بود که مرا به جستجو در جهت رسیدن به هدفم تشویق کرد. بدین جهت از اوایل همین سال، هر روز با شتاب از کارهای موظف روزانه خود را فارغ می‌کردم و دو سه ساعت باز یافته را در انبوه مکتوبات درهم‌ریخته و برهم انباشته در زیر گرد و غبار صرف تحقیق می‌کردم، مطالب را جزء به جزء درمی‌آوردم و طی سه سال، کتاب‌های خطی و مکتوبات موجود را غربال می‌کردم. هر گاه فرصتی دست می‌داد از فرمان‌ها، کنداک‌ها (فرامین مذهبی)، کتاب‌های خطی، نامه‌های خصوصی و نوشته‌های دیگر، مطالب تاریخی را استخراج می‌کردم تا آن جرات را یافته که دست به تالیف تاریخ جلفا بزنم.»^۴

سپس هاروتون از دومین منبعی که در تالیف کتاب خود استفاده و افری نموده صحبت می‌کند: «مهمترین یاور من در این کار کتاب کوچکی بود که در کتابخانه کلیسا یافتیم. این کتاب را که کشیش استپانوس فریدنی اهل قریه هزار جریب نوشته است دارای مطالب گوناگونی است و از آن جمله ذکر سلسله‌های پادشاهی ایران تا زمان لطفعلی‌خان، سختی‌هایی که ارمنیان فریدن متحمل شدند و شرح حال بعضی اشخاص که با زندگی زاهدانه خود در فریدن به معجزه‌گر شهرت یافتند. در خلال این مطالب مختصری از وقایع جلفا نیز آمده است... سبک نگارش او پرتکلف و کم‌محتواست که من مطالبی را از آن برگزیدم... بعضی قسمت‌ها را به عینه برای شاهد نقل کردم اما با تصحیحات لازم و حذف مکررات به طوری که به معنی کامل آن لطمه نزنند...»^۵

بنابراین می‌توان گفت تاریخ آراکل دربرگیرنده تاریخ ارمنیان در سال‌های (۱۶۶۲-۱۶۰۲ م / ۱۰۷۲-۱۰۱۰ ه) و «تاریخ ارامنه» اثر استپانوس هزار جریبی ادامه تاریخ آراکل می‌باشد که به وقایع سال‌های (۱۷۸۹-۱۶۶۵ م / ۱۲۰۴-۱۰۷۴ م) می‌پردازد و هاروتون در تالیف کتاب خود، از این دو اثر بسیار استفاده نموده است از دو منبع فوق چنانکه گفته شد تاریخ آراکل چندین بار به زبان‌های ارمنی و نیز فرانسوی چاپ شده است، اما کتاب استپانوس که نسخه دستنویس

آن به شماره ۶۵۴ در کلیسای وانک اصفهان موجود می‌باشد علی‌رغم اهمیت آن تاکنون چاپ نشده و فقط بخشی از آن در سال ۱۹۴۰ م توسط آرام یرمیان در روزنامه «ورازنون» در تهران به چاپ رسیده است و آقای لئون میناسیان شرح مختصری از وی و اثرش را در سال ۱۹۵۶ م به زبان ارمنی در جلفای اصفهان چاپ نموده است.

از دیگر منابعی که هاروتون از آن بهره برده، کتابی تحت عنوان تاریخ فارسیان اثر خاچادور جلفائی است که وقایع تاریخ ارمنیان را از ابتدا تا سال ۱۷۷۹ م / ۱۱۹۲ ه به صورت مختصر نوشته است. این کتاب برای اولین بار در مجله‌ای چاپ هند بین سال‌های ۱۷۹۴-۶ م / شماره‌های ۵ الی ۱۶ سال ۱۷۹۵ م به چاپ رسیده و سرانجام در سال ۱۹۰۵ م به صورت مستقل منتشر شده است.

علاوه بر کتاب‌های فوق، مؤلف تاریخ جلفا از آثار نویسندگان ارمنی چون هاکوپ جلفائی، چامچیان و مسروپ تاقیادیان استفاده نموده است و چنانکه خود گفته و قبلاً ذکر شد از اسناد و

مکتوبات کلیسای وانک در جای جای کتاب خود با آوردن اصل سند و زمان آن بهره فراوان جسته است.

کتاب تاریخ جلفای اصفهان مشتمل بر دو جلد می‌باشد که در یک مجلد به زبان فارسی منتشر شده است جلد اول شامل ۶۶ فصل و دربرگیرنده تاریخ ارمنیان از آغاز کوچ آنها به ایران تا وقایع سال ۱۸۵۷ م / ۱۲۷۲ ه است. جلد دوم، درباره کلیسای وانک و دیگر کلیساهای موجود در جلفای اصفهان می‌باشد در این جلد بیشتر به شرح اوضاع مالی کلیساها، وضعیت مدارس جلفا و دیگر بلوکات و روستاهای ارمنیان ایران پرداخته شده است.

به گفته ناشر کتاب به زبان فارسی باید از هاروتون سپاسگزار بود که با کار بزرگ خود اولاً نسبت به قوم خودش ادای دین کرده است و ثانیاً گذشته‌های از تاریخ اصفهان، پایتخت امپراطوری صفویان را نوشته است اما نمی‌توانیم از وی متوقع باشیم که با دید امروزی پیرامونش را بنگرد و خالی از تعصب قومی به فضولت پردازد که خواننده هوشمند خود متوجه این نکات خواهد شد.

نگارنده این سطور لازم می‌داند قبل از آنکه نکات چندی را پیرامون چاپ کتاب عنوان نماید تا در چاپ بعدی کتاب رعایت شود، بار دیگر از مترجمان این اثر، یعنی آقای لئون میناسیان که این کتاب را از ارمنی قدیم (گرابار) به فارسی تقریر نمود و آقای محمدعلی موسوی فریدنی که با نثری شیوا و درخور یک متن تاریخی آن را نوشته است سیاست‌گزاری و قدردانی نماید و از مشارالیهما بخاطر آنکه متن دست‌نویس ترجمه شده خود را قبل از چاپ کتاب در اختیار اینجانب گذارده بسیار تشکر و امتنان نمایم.

در فصل سوم جلد اول کتاب (ص ۹) نام سردار عثمانی که به مقابله شاه‌عباس آمد سردار جلال اوغلی معروف به «سینان پاشا» آمده است، درحالی‌که بنا به گفته اسکندر بیگ ترکمان و هامرپورگشتال تلفظ نام صحیح وی «چغال اوغلی» می‌باشد در همین صفحه، پاراگراف دوم، هاروتون هدف شاه‌عباس از آوردن ارمنیان به ایران را دو علت ذکر می‌کند: «یکی آنکه ولایات و دهات خالی از سکنه می‌شد دارای آنها به یغما می‌رفت و زمستان که قشون عثمانی آنجا می‌رسید بی‌آذوقه می‌ماند و از تهیه مایحتاج خود عاجز می‌شد و شاه زودتر می‌توانست بر آنها غلبه نماید، دیگر آنکه بر جمعیت و مالیات‌پردازان کشور خود می‌افزود و مهمتر آنکه تجارتي که آرزوی قلبی او بود به کف ارامنه رونق می‌گرفت. زیرکی و استادی ارمنیان در تجارت در چشم شاه حسادت‌انگیز بود»

به نظر نگارنده این سطور چنین می‌رسد که انگیزه شاه‌عباس از صدور فرمان کوچ ارامنه، در ابتدا صرفاً یک تاکتیک نظامی بود. یعنی به آتش کشیدن ارمنستان به منظور جلوگیری از پیشرفت عثمانیها، و در آن برهه حساس زمانی، هدف درازمدت تجاری منظور نظر او نبوده است. ملاجلال، منجم دربار شاه‌عباس، به صورت مختصر و واضح، هدف شاه‌عباس از فرمان مهاجرت را چنین می‌نویسد:

«حکم جهان مطاع ناقد شد آن که رعایای چخورسعد را بکوچاند تا بعد از جنگ به هر چه صلاح باشد، عمل شود و غرض دو چیز بود: یکی آنکه رومیه لشکری متفرق ظالم طبیعتند،

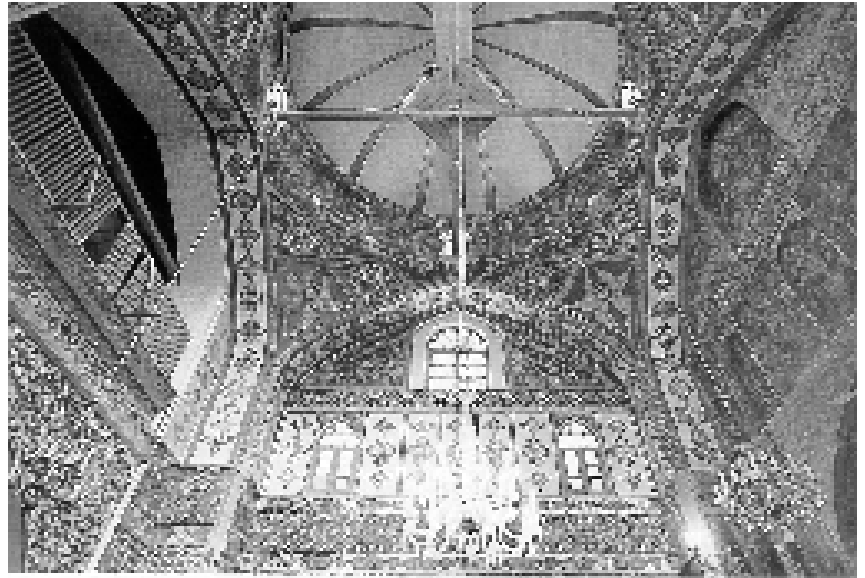


«تاریخ جلفای اصفهان» دربرگیرنده تاریخ ارامنه از ابتدای کوچ آنان به ایران (۱۶۰۴ م / ۱۰۱۲ ه) تا سال (۱۸۵۷ م / ۱۲۷۲ ه) می‌باشد که با استفاده از منابع دست اول ارمنی و اسناد موجود در کلیسای وانک،

مبادا دست تعدی به رعایا دراز کنند، ثانی آنکه سردار چون الکه را خراب و بی‌آذوقه ببیند، مایل قلعه ساختن نکند.»^۷

دلیل دیگر آنکه، بنا به یادداشت‌های ارمنیان در حاشیه‌ی نسخ خطی که در سه جلد کتاب تاکنون جمع‌آوری شده چنین آمده: «در ایامی که کوچندگان در تبریز بودند، شاه‌عباس فرمانی خطاب به آنان صادر کرد که از مفاد آن چنین برمی‌آید که در ابتداء قصد اسکان دائمی کوچندگان را در داخل

اصفهان - کلیسای وانک



به نظر نگارنده انگیزه شاه‌عباس از صدور فرمان کوچ ارمنه، در ابتدا صرفاً یک تاکتیک نظامی بود. یعنی به آتش کشیدن ارمنستان به منظور جلوگیری از پیشرفت عثمانیها، و در آن برهه حساس زمانی، هدف درازمدت تجاری منظور نظر او نبوده است

ایران نداشت، برطبق این یادداشت‌ها، مدت زمانی سپری گشت تا شاه‌عباس فرمان مهاجرت آنها را به نواحی مرکزی ایران صادر کرد.

به عنوان مثال، متن فرمان شاه‌عباس مبنی بر آزاد بودن مهاجرین و بازگشت آنها به سوی موطن اصلی‌شان از یادداشت ارمنی مورخ ۱۶۵ م / ۱۰۱۲ هـ ذکر می‌گردد:

«... هرکس مایل باشد در اینجا، زندگی کند بماند و هرکس مایل نباشد، راه خود را در پیش گیرد.» آنگاه بسیاری از ارمنیان و مسلمانان تاجیک به راه افتادند. ولی پس از دو روز راهپیمایی توسط خانهای شرور کشته شدند و زنان و کودکان اسیر گردیدند... آنگاه خداوند بخشنده‌ی مهربان، دل شاه را به رحم آورد و حکمی صادر کرد که:

«ارمنه آزاد هستند اما اکنون دستوری مبنی بر رفتن به جایی نیست آنها اجازه دارند تا بهار اینجا بمانند. وقتی بهار فرارسد همه به شهر اصفهان بروند.»^۸

در صفحه ۲۳، ترجمه‌ی فرمانی از شاه‌عباس آمده که با توجه به تطبیق با رونوشت سند، دارای اشتباهاتی به شرح زیر می‌باشد:

صفحه	غلط	درست
۲۳ - سطر ۱۵	بردوش	برداشته
۲۳ - سطر ۱۶	قتل	قبل
۲۳ - سطر ۲۱	جاتعین نمای	خالی نمایند
۲۳ - سطر ۲۲	نمایی	نماید
۲۳ - سطر ۲۳	جافتاده	و در این باب قدغن دانند، تحریراً
۲۳ - سطر ۲۴	ربیع‌الثانی	جمادی‌الثانی
۲۳ - سطر ۲۵	اعطا شد	امضا شد

در صفحه ۲۴، دو سند آورده شد که دارای اغلاطی به شرح ذیل است:

صفحه	غلط	درست
۲۴، س ۱	معایب	بی‌غایت
۲۴، س ۹	۱۰۲۸ هـ	۱۰۳۸
۲۴، س ۱۴	محل مذکور	حوالجات مذکوره

۲۴، س ۱۷	عمل	به جماعت
۲۴، س ۱۹	مقرر	مفید

اغلاط سند صفحه ۲۵:

سطر	غلط	درست
۲ سطر	[جافتاده]	قینان، سیچان، [خوانده نشد] مهرقون
۲ سطر	تعلق [جافتاده]	تعلق سرکار خاصه
۲ سطر	مذکوره [جافتاده]	مذکوره به موجب با
۵ سطر	بد	با
۶ سطر	[یک کلمه ناخوانا]	اسلامیان
۷ سطر	خاصه	خاصه شریفه

در صفحه ۳۳، مؤلف کتاب، سندی آورده که مصحح در پاورقی نوشته، «متأسفانه عین فرمان در آرشیو کتابخانه کلیسا موجود نیست، اما در ترجمه سعی شد سبک و سیاق نثر آن دوران تا حدودی حفظ شود»

باید گفت به رونوشت فرمان فوق به شماره ۵۹ در کلیسای وانک موجود است و بنظر نگارنده رسیده است.

اغلاط سند صفحه ۳۶:

صفحه	غلط	درست
۳۶، س ۱۲	[دو کلمه خوانا]	پناهی به قذوه
۳۶، س ۳۸	این دیار	بدین دیار
۳۷، س ۲	دهم	دهیم

در صفحه ۳۹، در سطر ۵ و ۶ دوبار محله باتون، با دو املائی مختلف نوشته شده: باتون، باطون صفحه ۳۹، سطر ۲۳، نشخارها (?)

در صفحه ۶۲، پاراگراف سندی از فرمان شاه‌عباس دوم آورده که دارای اغلاط ذیل است:

صفحه	غلط	درست
۶۲، س ۷	مکتوب قبا	یک ثوب قبا
۶۲، س ۷	مکتوب بالاپوش	یک ثوب بالاپوش
۶۲، س ۹	وجه انعام [...]	وجه انعام
۶۲، س ۹	مال خود رسانیده	مال خود [به میمنت]؟
۶۲، س ۱۱	[...]	حذف شود
۶۲، س ۱۱	شهر شعبان سنه ۱۰۵۲	تحریر آفی شهر شعبان سنه ۱۰۵۲
۳۶۵، س ۱	۱۸۳۱ م	۱۸۵۱ م

پی‌نوشت‌ها:

- جهت اطلاع بیشتر درباره تاریخ آراکل رجوع شود به مقاله اینجانب در مجله کتاب ماه ش ۳۸-۳۷ (سال چهارم، ش ۱ و ۲، آبان و آذر ۱۳۷۹) تحت عنوان: تاریخ آراکل، فصل مشترک تاریخ ایران و ارمنستان در قرن ۱۷ م / ۱۱ هـ.
- «کنداک» به معنی فرمان و حکم مذهبی است که از طرف عالی‌ترین مقام مذهبی ارمنیان صادر می‌شود.
- هوهانیان، هاروتون: تاریخ جلفای اصفهان، مترجمان: لئون، گ، میناسیان، م ع موسوی فریدنی اصفهان، نشر زنده‌رود با مشارکت انتشارات نقش خورشید، ۱۳۷۹ ص ز.
- همانجا، ص ح
- همانجا، ص ط
- اسکندربیک ترکمان (منشی): تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، اصفهان، تأیید و امیرکبیر، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۶۶۵.
- پورگشتال، هام: تاریخ امپراطوری عثمانی، مترجم: میرزا زکی علی‌آبادی، به اهتمام: جمشید کیانفر، تهران، زرین، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۶۸۴.
- ملاجلال‌الدین منجم یزدی: تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، شامل وقایع دربار شاه‌عباس صفوی، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران، وحید، ۱۳۶۶، ص ۲۷۰.
- هوانسیان، آشوت و هاکوپیان، واژگن: یادداشتهای کتب خطی ارمنی در قرن ۱۷ م (به زبان ارمنی)، ج ۱، ایروان، ۸-۱۹۷۴م، ص ۲-۱۸۱.